





عنوان و نام پدیدآور: زیارت؛ مکتب محبت/
 گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].
 مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
 شابک: 978-600-6543-66-6
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه .
 موضوع: زیارت
 شناسه افزوده: آستان قدس رضوی .معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۱۳۶۳BP /ز۹۴
 رده بندی دیویی: ۷۶/۳۹۷
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۶۰۷۹



۴۷ → زیارت؛ مکتب محبت

نویسنده: حسین ایرانی
 آستان قدس رضوی
 چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)
 معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
 نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ گویی به سؤالات دینی
 تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی
 ویراستار: محمد مهدی باقری
 طراح جلد: علی بیات
 طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.



مَعْرِفَةُ



زیارت؛ مکتب محبت

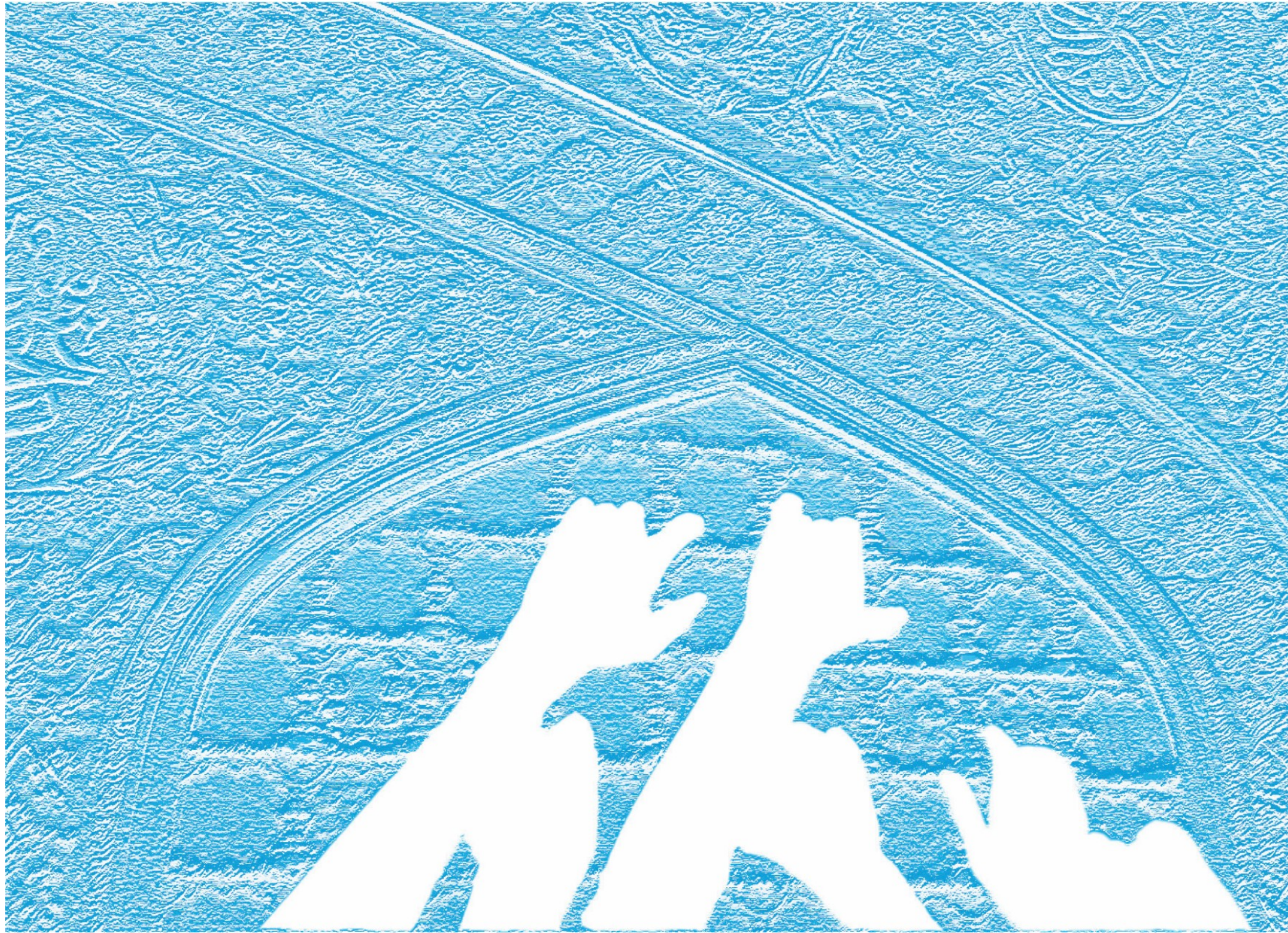
سه پرسش را در این نوشتار پاسخ می‌گیرید:

؟ در پس تأکیده‌های فراوان بر زیارت مزار پیشوایان دین، چه حکمت‌هایی نهفته است؟

؟ حضور در زیارتگاه‌ها و انجام دادن آداب و احکام توصیه‌شده، چه آثار عملی مثبتی بر زائر

می‌گذارد؟

؟ مخالفان توسل و زیارت و عتبه‌بوسی و... چه مبنایی دارند و بهترین پاسخ به آنان چیست؟



۱. درآمد



در نگاه قرآن و اسلام، هدف از آفرینش، بندگی خداست: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱ و نیز، فلسفه بعثت انبیا همان عبادت می باشد: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ...﴾^۲ از طرفی، برترین مقام و امتیاز همان عبدِ خدا ﷻ شدن است: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ﴾، ﴿وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ﴾. علاوه بر این، تنها راه سعادت و تکامل لایق به حال انسان، در عبودیت است؛ به گونه ای که قرآن می فرماید: ﴿وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ﴾^۳

از طرف دیگر، معیار عبد زیستن است، نه فقط مناسکی را برای ساعتی انجام دادن. امام علی (ع) می فرمایند: «الْهَى كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا»^۴ باید خود را در تمام حالات، مملوک خدا ﷻ دید و از همه

۱. ذاریات ۵۶.

۲. نحل، ۳۶.

۳. یس، ۶۱ و آل عمران، ۵۱: «... و اینکه مرا بپرستید. این است راه راست.»

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۴۰: «خدایا، همین عزّت مرا بس که بنده توام.»



وابستگی‌های مادی و علایق حیوانی رها شد و فقط طالب و تسلیم پروردگار عز و جل بود. به همین دلیل، اسلام از عوامل غفلت‌آور نهی کرده و به آنچه موجب ذکر و توجه قلبی به خدا عز و جل و جدایی از مظاهر مادی است، مانند یاد معاد، توصیه و تأکید کرده است. حضور در مَشاهد متبرک و آرامگاه رهبران دین و شخصیت‌های الهی، یکی از راه‌های مهم برای توجه قلبی و یاد خدا عز و جل می‌باشد.

شیعه هرگز به امام، نگاه استقلال‌ی (اینکه امامان قدرتی بالذات در برابر خداوند عز و جل دارند) نداشته است؛ بلکه پیشوایان دینی با پاکی و صفای باطن که حاصل عبودیت است، به‌اذن خدا عز و جل واسطه می‌شوند. این معنا، در متن زیارت‌نامه‌ها آمده است: «اتَّقِرَّبْ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكَ وَ مُتَّقِرَّبْ إِلَيْكَ بِزِيَارَةِ قَبْرِ أَخِي رَسُولِكَ وَ اتَّوَسَّلْ وَ اتَّوَجَّهْ وَ بَزِيَارِهِ حَبِيبِ حَبِيبِكَ تَقَرَّبْتَ؛ اَللّٰهُمَّ اَلِيكَ صَمَدٌ مِنْ اِرْضٰى... رَجَاءَ رَحْمَتِكَ.» زائر هم در زیارتگاه‌ها به دعا، نماز، قرائت قرآن و ذکر خدا عز و جل می‌پردازد و در عین احترام و توجه به مقام قرب آنان و موقعیتشان نزد پروردگار عز و جل، از آنان بهره‌مند می‌شود؛ همان گونه که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نزد آن حضرت می‌آمدند و از خدا عز و جل، طلب مغفرت می‌کردند: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ



اَسْتَغْفِرُ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوْ جَدُّوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿﴾ (= اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیرِ مهربان می یافتند).^۱ یا همانند فرزندان حضرت یعقوب که از پدرشان خواستند تا برای آنان، در پیشگاه خداوند ﷻ، استغفار کند: ﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اِسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا﴾ (= گفتند: ای پدر، برای گناهان ما آمرزش خواه).^۲ حضرت نفرمودند که چرا مرا واسطه قرار دادید و باید مستقلاً سراغ خدا بروید؛ بلکه فرمودند: ﴿قَالَ سَوْفَ اَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (= به زودی از خدایم برای شما طلب آمرزش کنم؛ زیرا او آمرزندهٔ مهربان است).^۳ همین طور است وعدهٔ حضرت ابراهیم علیه السلام، به استغفار برای پدرش.^۴

۱. نساء، ۶۴.

۲. یوسف، ۹۷.

۳. یوسف، ۹۸.

۴. توبه، ۱۱۴.

۲. زیارت در لغت



زیارت از ماده زور و به معنای قصد، میل، دیدار، ملاقات و بالای سینه است. در اصطلاح، نوعی انس و تمایل قلبی، همراه با حرکتِ حسی و تکریم و تعظیم کسی می‌باشد و شاید مرحله نهایی آن، عشق و اطاعت از زیارت‌شونده و همانند او شدن در عقیده و عمل باشد.^۱ در حدیث آمده است: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ زُورِكِ» (= خدایا مرا از قصدکنندگان و پناهندگانِ درگاهت قرار بده).^۲ این واژه در دو جای قرآن آمده است: تکاثر، آیه ۲ و کهف، آیه ۱۷. مراد از «قول زور» در حج، آیه ۳۰ و فرقان، آیه ۴ سخنِ منحرف از حق و دروغ و گفتار ظالمانه است.^۳

۱. نجفی، جواهر الکلام، فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۰، ص ۴۴۱.

۲. بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۳۷۷.

۳. راغب، مفردات؛ اقرب الموارد؛ مجمع البحرین؛ قاموس القرآن.

۳. زیارت در اسلام





زیارت و احترام شخصیت‌های علمی، انقلابی، مکتبی و ملی، در تمام ملت‌ها و امت‌ها وجود دارد و اصلی فطری و عقلایی است که در تمام ادوار زندگی بشر، به چشم می‌خورد. اسلام از آنجا که دینی جامع و پاسخ‌گو به تمام تمایلات انسان است، اصل زیارت را به دور از خرافات جاهلی و تحریفات شرک‌آلود، برای پیروان خود تبیین کرده است. به زیارتِ خوبان خدا رفتن، عمل کردن به آیه **﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾**^۱ است که مؤمنان را به دور از شرک و کفر، به دنبال وسیله رفتن و توسل جستن توصیه می‌کند.

احادیث فراوان متواتر و متنوعی در کتاب‌های شیعه و سنی در این باره آمده است و نگارش صدها کتاب از اهل تسنن و تشیع، درباره آداب و احکام زیارت، همه حاکی از اهمیت زیارت و

۱. مائده، ۳۵: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جوئید و در راهش جهاد کنید؛ باشد که رستگار شوید.»



نقش سازنده و مؤثر آن در تربیت و هدایت فرد و جامعه و نیز حفظ و نشر فرهنگ دینی است.^۱ عالمان سنی و شیعه روایات فراوانی در باب توسل نقل کرده‌اند که متواتر بودن آن‌ها ما را از بررسی سندشان بی‌نیاز می‌کند. به‌طور کلی، زیارت قبور انبیا، امامان، اولیا و صالحان، اصلی ارزشی و پذیرفته‌شده در فرق اسلامی، غیر از وهابیت، است: سمهودی، دانشمند مشهور سنی، در کتاب خود کمک و شفاعت خواستن از پیامبر ﷺ را قبل و بعد از رحلتش و در عالم برزخ و قیامت، جایز می‌داند.^۲ امام شافعی، پیشوای بزرگ اهل تسنن، در توسل به اهل بیت علیهم السلام شعری بدین مضمون نقل کرده است: «خاندان پیامبر ﷺ وسیله من نزد خداوند است و امیدوارم به وسیله آنان، فردای قیامت نامه عمل مرا به دست راستم بدهند.»^۳ همچنین، آلوسی می‌گوید:

۱. امینی، الغدير؛ کامل الزیارات؛ بحار الانوار.

۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۱۳۷۱؛ التوصل الى حقيقة التوسل، ص ۲۱۵.

۳. همان، ۳۲۹.



«توسل به خداوند عز و جل از راه مقام پیامبر صلی الله علیه و آله، در زندگی و بعد از ارتحالش و حتی توسل به مقام غیرپیامبر هم جایز است؛ به شرط آنکه نزد خدا مقامی داشته باشد.»^۱

فخررازی، دانشمند و مفسر معروف اهل تسنن (۵۴۳ تا ۶۰۶ ق)، رساله‌ای به نام زیارة القبور دارد. نیز، کتاب‌های کنز العمال، ج ۱۵ و احیاء العلوم، ج ۱ و صحاح سته و المغنی و الشرح الکبیر، ج ۲ و ۳، روایات متعددی از پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره نقل کرده‌اند.

اما ساختن گنبد و بارگاه بر مزار صالحان و پاکان، علاوه بر احترام به آنان، زمینه‌ساز استراحت زائران و عبادت‌کنندگانی است که از راه‌های دور و نزدیک می‌آیند. همچنین، از مصادیق آیه مبارک **﴿فِي يُبُوتِ أذنَ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...﴾**^۲ می‌باشد؛ زیرا در این مکان‌ها، زن و مرد به ذکر خدا عز و جل و نماز و نیایش حق مشغول‌اند. نیز، این کار هم هنر اسلامی و شکوه آن را

۱. تفسیر رحل المعانی، ج ۳، ص ۱۱۴.

۲. نور، ۳۶: «در خانه‌هایی که خدا رخصت داده است که [قدر و منزلت] آن‌ها رفعت یابد و نامش در آن‌ها یاد شود.»



نمایش می‌دهد و هم نوعی تعظیم شعائر^۱ به‌شمار می‌آید. روایات متعددی را سُنی و شیعه، در پاداش و تشویقِ ساختن و تعمیر قبور پیشوایان اسلام نقل کرده‌اند.

۴. چستی زیارت



زیارت گرچه اصلی اخلاقی، عبادی، ارزشی و سیاسی است و در مکتب تشیع با شور و شکوه خاصی درخشیده و با منطق و استدلال همراه شده است، بیش از آن، عشق و اشتیاق زائر به زیارت‌شونده در آن مطرح است و بیانگر رابطه دوستی و قلبی خاصی است که همه هزینه‌ها و رنج‌های سفر را آسان می‌کند. از رهگذر محبت است که مجنون درودیوار خانه لیلی، معشوق و محبوب خود، را می‌بوسد و پیوسته نام او را یاد می‌کند. مادر، تصویر و لباس فرزندش را می‌بوسد و این، شرک نیست، بلکه عشق است.

اسلام دین محبت است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ؟» (= آیا دین چیزی جز محبت است؟)^۱ در قرآن می‌خوانیم: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ.»^۲ (= بگو به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم؛ مگر دوستی به خویشاوندان.)

۱. بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۳۷.

۲. شوری، ۲۳.

به راستی، چطور می توان دوستدار خداوند عَلَيْهِ السَّلَام بود، اما حبیب خدا عَلَيْهِ السَّلَام و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اولیای دلباخته خدا را دوست نداشت؟ مگر مقام ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام جز سنگی است که حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام هنگام ساختن کعبه، زیر پای خود گذاشت؟ یا مگر استلام حجرالاسود، چیزی جز عشق و احترام و عرفان و عبادت است؟ فقیه و ادیب بزرگ اهل تسنن، تاج الدین فاکهانی، به دمشق می رود تا کفش منسوب به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ببیند. سپس، آن را می بوسد و می گیرد و شعر می سراید.^۱

زیارت یعنی رفتن به سراغ اسوه ها و الگوهای ارزشی. از آنجا که الگوخواهی و الگوپذیری، فطری هر انسان است، در مکتب جاوید اسلام اسوه های جاودانه ای معرفی شده اند: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (= پیامبر برای شما [در همه زمان ها و زمینه ها] سرمشق نیکوست).^۲ خود را ارزیابی کردن و ضعف ها و نقص های خود را دیدن و از دام های شیاطین درون و بیرون

۱. الغدير، ج ۵، ص ۱۵۵.

۲. احزاب، ۲۱.



رهاشدن و به آن اسوه‌ها اقتدا کردن و سیرِ تعالی را طی نمودن، از اهداف زیارت می‌باشد. برای این اساس، در زیارت‌نامه حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ وَ مُقَلِّبِ الْأَحْوَالِ»^۱

الکسیس کارل، دانشمند مشهور، می‌نویسد: «در زندگی عالمان و قهرمانان و پاکان، ذخیره‌ای تمام‌نشدنی از انرژی معنوی وجود دارد. این مردان، چون کوه‌هایی در میان دشت، سر به بالا کشیده‌اند و به ما نشان می‌دهند تا کجا می‌توانیم بالا برویم و نیز، هدفی که طبیعتاً شعور انسانی به آن متمایل است، چقدر عالی است. فقط چنین مردانی می‌توانند برای زندگی درونی ما غذای معنویِ موردنیازش را تهیه کنند»^۲

۱. مصابیح الجنان، ۲۹۴.

۲. راه‌ورسم زندگی، ترجمه پرویز دبیری، ص ۱۰۱.

۵. آثار زیارت





زیارت قبر پیشوایان و بزرگان دین فواید فراوانی دارد:

۱. توحید و خداشناسی تحکیم شده و به موازات آن، جایگاه نبوت و امامت و ولایت شناخته می‌شود و اعتقاد به معاد و شفاعت فزونی می‌یابد؛
۲. احساس اصالت فرهنگی و خودباوری مکتبی و هویت‌یابی و شخصیت‌پذیری از پیشینه‌های پاک تاریخی افزایش می‌یابد؛
۳. تحول روحی و توفیق به توبه و رهایی از سقوط در گرداب گناه و بدبختی‌ها و زشتی‌ها در زیارت حاصل می‌آید؛
۴. در فرایند زیارت، تجدیدعهد با محور توحید و امامت پیشوایان دین و نیز استوارماندن در کشش‌های مختلف زندگی حاصل می‌آید. امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةَ قُبُورِهِمْ...» (= به‌راستی، برای هر امامی به‌گردن دوستان و پیروانش پیمانی است که از شرط‌های



وفا به این پیمان، زیارت قبور آنان است.^۱

۵. با گریه و مناجات با خدا عز و جل، یأس‌ها می‌شکند و غم‌ها رفع می‌شود و عقده‌های روحی تخلیه می‌گردد؛

۶. با توسل و شفاعت و تقرب‌جستن به درگاه پروردگار عز و جل، نشاط و آرامش بر دل زائر می‌نشیند؛

۷. حضور در مزارها و اجتماع مؤمنان، نمادی از قدرت و عظمت و نیز عامل وحدت دینی و ملی و برطرف‌کننده اختلاف‌ها و کدورت‌هاست؛

۸. زمینه پاک‌ی و کاهش جرایم و آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند؛

۹. زمینه‌ای برای توسعه اقتصادی، به‌ویژه تولید کالاهای فرهنگی و همچنین، عامل انفاق‌ها

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۱۱۷.



و رفع فقر و محرومیت‌هاست؛

۱۰. زیارت‌ها زمینه‌ساز آشنایی بیشتر با معارف دینی و مفاخر تاریخی و رشد دانش و فرهنگ مکتبی است؛

۱۱. زیارتگاه‌ها به مراکز فرهنگی و حوزه‌های علمیه تبدیل می‌شوند. در کنار مزار رسول خدا ﷺ این کار آغاز شد و در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام، هزاران دانشجو از سراسر بلاد گرد می‌آمدند و علوم اسلامی را فرامی‌گرفتند. بیدارگری‌های فاطمه زهرا علیها السلام از کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شد. از کنار مزار حضرت علی علیه السلام و حوزه‌های علمیه نجف و سامرا، مبارزه علیه استعمار بریتانیای کبیر شکل گرفت. فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی ضدّ ظلم و استعمار، مانند فتوای تاریخی میرزای شیرازی و تحریم تنباکو که انگلیس را به‌زانو درآورد و حادثه مسجد گوهرشاد و همچنین قیام عظیم امام خمینی رحمه الله از مدرسه فیضیه، همه در کنار این قبور منور و مقدس صورت گرفت.



۶. مرز توحید و شرک



زدنِ برچسبِ اتهامِ شرک و بدعت به هر حرکتی و هر نوع احترام و آدابی، دور از منطق و خرد است؛ زیرا حدّ شرک را قرآن و سنت بیان کرده‌اند. قرآن مجید پیروان خود را از قضاوت عجولانه و اتهام بیجا به دیگران منع کرده است: ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (= به کسانی که اظهار اسلام می‌کنند [و از صلح و سلام سخن می‌گویند] نگویید مؤمن نیستید؛ تا از این راه بخواهید از سرمایه ناپایدار دنیا بهره و غنیمتی به‌دست آورید).^۱

پیامبر اکرم ﷺ حضرت علی علیه السلام را برای فتح قلعه‌های خیبر فرستادند. علی علیه السلام پرسیدند: «حدّ نبرد با آنان چیست؟» فرمودند: «با آنان پیکار کن، تا آنجا که شهادتین را بگویند. در این صورت، جان و مالشان مصون و محترم است؛ مگر جایی که جان و مالشان به حق گرفته شود و حسابشان با خداست.»^۲ این، سیره پیامبر و اصحاب و تابعان بوده است.

۱. نساء، ۹۴.

۲. صحیح بخاری، کتاب الایمان، ص ۱۰؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۷، باب فضائل علی علیه السلام؛ کشف الاستیاب، ص ۱۰۱.



آیا تنها وهّابیانِ معدود و تندرو، مؤمن هستند و تمام مسلمانان مشرک‌اند؟^۱ آیا فقط آنان کتاب و سُنّت را فهمیده‌اند که فتوا به تخریب مزار پیشوایان دین و کشتن زنان و مردان و کودکان بی‌گناه می‌دهند؟

در تبیین توسل و مرز شرک در اسلام، نقل کلام استاد شهید مطهری مناسب می‌باشد. وی می‌نویسد: «موجودی که به تمام هویتش، وابسته به اراده حق است و هیچ حیثیت مستقّلی از خود ندارد، تأثیر مافوق‌طبیعی او مانند تأثیر طبیعی او، پیش از آنکه به خودش مستند باشد، مستند به حق است و او جز مجرای برای مرور فیض حق به اشیا نیست. آیا واسطه‌بودن جبرئیل در وحی و علم و واسطه‌بودن میکائیل در رزق و واسطه‌بودن اسرافیل در احیا و واسطه‌بودن ملک‌الموت در قبض ارواح، شرک است؟»^۲

۱. همان، ص ۱۰۸ تا ۱۱۴.

۲. مقدمه‌ای بر جهان‌بینی، ص ۱۰۴.



جهان از نظر جهان‌بینی اسلامی، ماهیت از اوئی دارد: **إِنَّا لِلّهِ**. قرآن کریم در آیات متعدد، کارهای اعجاز‌آمیزی از قبیل زنده کردن مرده و شفاف‌دادنِ کور مادرزاد را به برخی پیامبران نسبت می‌دهد، اما همراهِ آن، کلمهٔ **بِإِذْنِهِ** را اضافه می‌کند.^۱ این کلمه نمایشگر ماهیتِ از اوئیِ این کارهاست؛ تا کسی نپندارد که انبیا از خود، استقلالِ دارند. پس، مرز بین توحید و شرک نظری، از اوئی است و مرز بین توحید و شرک عملی، به‌سوی اوئی: **وإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**.

توجه به هر موجودی، اعم از توجه ظاهری و معنوی، هرگاه به‌صورت توجه به یک راه برای رفتن به‌سوی حق باشد و نه یک مقصد، توجه به **خدا عَزَّوَجَلَّ** است. در هر حرکت، توجه به راه از آن جهت که راه است و توجه به نشانه‌های راه برای گم‌نشدن و دورنیفتادن از مقصد، از آن جهت که این‌ها علامت و نشان هستند، ضامنِ «به‌سوی مقصدبودن و به‌سوی مقصدرفتن» است.

۱. آل عمران، ۴۹؛ مائده، ۱۱۰.



پیامبران و اولیا علیهم السلام، راه‌های خدا عز وجل هستند: «أَنْتُمْ السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ» و آنان علامت‌های سیر إلى الله هستند: «وَاعْلَمُوا لِعِبَادِهِ وَ مَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَ أَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ.» پس، مسئله این نیست که توسل و زیارت اولیا و انتظار مافوق طبیعی از آنان، شرک است. مسئله چیز دیگری است: آنان چنان صعودی در مراتب قرب الهی کرده‌اند که تا این حد، شایسته موهبت واقع شده‌اند. از قرآن کریم می‌توان فهمید که خدا عز وجل به پاره‌ای از بندگان خود چنین مقامات و درجاتی عنایت کرده است.^۱

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۲.



۷. بی‌معناییِ مرگ برای صالحان



پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام و صالحان، بعد از رحلت و شهادتشان، در حکم زندگان اند و برای رواشدن حاجات، از ارواح بلندشان می توان درخواست وساطت کرد. این موضوع در جای خود ثابت شده است.^۱ علمای سنی و شیعه نوعی حیات برزخی برتر از شهدا برای آنان قائل اند:^۲

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ﴾ (= هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار؛ بلکه زنده اند تا نزد پروردگارشان روزی داده شوند).^۳

بنابه احادیث بسیاری، پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام سخن ها و سلام ها را می شنوند و از دور نزدیک، جواب می دهند^۴ و حتی اعمال امت بر آنان عرضه می شود.^۵ پیامبر ﷺ

۱. کشف الارتیاب، ص ۱۰۸ و ۱۱۴.

۲. کشف الارتیاب، ص ۱۱۲ و ۴۸۳؛ محمد بن عبد الوهاب، الهدیة الشیعة رسالة دوم، ص ۴۱، به نقل از تفسیر نمونه، ص ۵۴۵.

۳. آل عمران، ۱۶۹.

۴. تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۸۵؛ دیده ها و دریافت ها، ص ۱۷۴.

۵. کشف الارتیاب، ص ۱۰۹.



با اجساد مردهٔ مشرکان در کنار چاه بدر سخن گفتند و در جواب عمر، فرمودند: ﴿وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا أَتَمُّ بِأَسْمَعٍ لِّمَا أَقُولُ مِنْهُمْ﴾ (= سوگند به آن که جان محمد در دست اوست، شما به آنچه می‌گویم، از آن‌ها شنواتر نیستید).^۱ امام علی (ع) نیز با کشتگان جنگ جمل^۲ سخن گفتند. نیز، در مجامع روایی می‌خوانیم: ﴿وَاعْلَمُ أَنَّ رُسُلَكَ وَخُلَفَاءَكَ أَحْيَاءُ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ مَكَانِي فِي وَقْتِي هَذَا وَزَمَانِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي...﴾^۳

به‌علاوه، روح آدمی با مرگ نابود نمی‌شود؛ بلکه به عالم بالا می‌رود و قدرتمندتر می‌شود. ارواح قوی بزرگان، ناظر اعمال ما هستند. منشأ فضائل پیامبر (ص) جسم او نیست تا با رحلتش پایان پذیرد؛ سرچشمهٔ این برکات، روح شکوهمند آن حضرت می‌باشد که باقی است؛ بنابراین،

۱. بخاری، صحیح، ج ۵، ۹۷، باب قتل ابوجهل.

۲. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، ج ۱، ص ۲۴۸.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۸۲؛ کشف الارتیاب، ص ۲۷۸.



مقام پیامبر ﷺ و اولیای الهی در زمان حیات و مرگ یکسان است.

﴿فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَ جِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا﴾ (= پس چگونه باشد آنگاه که از هر امتی، گواهی بیاوریم و تو را گواه بر اینان قرار دهیم).^۱ این آیه به این موضوع تصریح دارد که ادای شهادت و گواهی، مستلزم آن است که شاهد امت، در طول زمان نظارت، حضور داشته باشد. این مسئله زمانی آشکارتر می شود که می بینیم قرآن، سرای آخرت را حیات حقیقی می داند و می فرماید: ﴿وَأَنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كُنَّا نَعْلَمُونَ﴾ (= و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است. ای کاش می دانستند).^۲ مرگ دروازه ورود به آخرت است و غروب از نشئه ای و طلوع در عالم دیگر.

شیعه امامیه و پیروان اهل بیت پیامبر ﷺ، همانند سایر مذاهب اسلامی، سجده بر غیر خدا

۱. نساء، ۴۱.

۲. عنکبوت، ۶۴.



را حرام می‌داند؛ حتی اگر به قصدِ پرستش غیر هم نباشد، جایز نیست. گواه آن، کتب فقه‌های شیعه است و سلیقهٔ برخی عوام، دلیلی بر دیدگاه شیعه نمی‌باشد.^۱

اساساً، زیارت‌نامه‌های رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام سراسر توحید و تسبیح خداوند عز و جل و بیان معارف دین و سلام و صلوات بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اولیا و عباد صالح خداست که وسیلهٔ هدایت و نجات انسان‌ها از شرک و گمراهی بودند و به مشیت الهی، بعد از وفاتشان، مرقد مطهرشان محل رحمت، برکت، اجابت دعا و پناهگاه محبان می‌باشد. درواقع، مرقد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و عترت پاکش مکانی بسیار مناسب برای

۱. اگر برخی عوام، گاه، در بعضی مزارِ پیشوایان دین، ناآگاهانه و از روی محبت خم می‌شوند و به زمین می‌افتند، هرگز سجده نبوده و نوعی عتبه‌بوسی و سجدهٔ شکر و احترام و تشکر است که آن‌هم نباید انجام شده و باید ترک شود؛ همانند قفل‌زدن و نخ‌گروه‌زدن به دروپنجرهٔ برخی بُقعه‌ها و حاجت‌طلبیدن‌های جاهلانه و ممنوع که در گذر زمان، به سبب ناآگاهی و کوتاه‌فکری، در مراسم زیارت راه یافته است. این پدیده‌ها مانند آب زلالی است که از چشمه جاری می‌شود و در عبور از سرزمین‌های مختلف، با عادات و افکار شخصی و ملی آمیخته می‌شود و از پاکی نخستین، دور.



معرفی مدل‌های ارزشی و عالی‌زندگی است و با تولّی و تبرّی، یعنی پیروی از خوبان و خوبی‌ها و بیزاری از دشمنان خدا و زشتی‌ها، سیر به‌سوی خدا عزّوجلّ و بهشت جاودان هموارتر می‌شود.

٨. مخالفان ناکام



آری؛ دشمنان اسلام و تشیع وقتی آن همه آثار و برکات را از زیارت راستین و حضور در زیارتگاه‌ها مشاهده کردند، تصمیم به تخریب و توقف این حرکت سازنده و پویا گرفتند و قبر امام حسین علیه السلام و امامان بقیع علیهم السلام و اخیراً نیز عسکرین علیهم السلام را تخریب کردند. آنان سعی می‌کنند بدین وسیله فرهنگ و تفکر شیعه را نابود یا منزوی سازند؛ اما با عنایت خداوند عز و جل و هوشیاری مسلمانان، نقشه‌های خائانه و جاهلانۀ آنان نقش بر آب شده است و تفکر شیعی هر روز بیش از گذشته، در حال گسترش و اوج‌گیری است.

برای مطالعه بیشتر:

فرهنگ زیارت، جواد محدثی، انتشارات تهران، انتشارات مشعر
شفاعت و زیارت، آیت الله جعفر سبحانی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.